



انترناسیونال

۱۲۴

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

جمعه، ۷ بهمن ۱۳۸۴، ۲۷ ژانویه ۲۰۰۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

بازی آتمی باید این بازی با زندگی مردم را برهم زد یاشار سهندی صفحه ۷	حمایت کارگران بتروشیمی از اعتصاب کارگران واحد صفحه ۵	فراخوان کمک مالی به اعتصاب کارگران واحد شهلا دانشفر صفحه ۲	بمب، جنگ، انقلاب کارگری دیپلماسی آتمی در حاشیه رویدادها سیاوش دانشور صفحه ۸
--	--	---	---

کارگران شرکت واحد تصمیم به اعتصاب مجدد گرفتند!

باینه اعتصاب مجدد کارگران و شنبه ۸ بهمن ماه (۲۸ ژانویه) دارد و عصر امروز در سطح کارکنان شرکت واحد، در تهران فراخوان داده شده است. اطلاعیه توزیع شد. اعتصاب برای روز امضای هیئت مدیره سندیکا را

قبلا در اطلاعیه هائی به آگاهی عموم رساندیم که روحیه توزیع شده است.

صفحه ۵

به احضارها و دستگیری ها باید پایان داده شود

منصور اسانلو، ابراهیم مددی، داود رضوی، سعید ترابیان، منصور حیات غیبی، عبدالرضا طرازی، علی زاده حسین، ناصر غلامی، عباس نژند کودکی باید فوراً آزاد شوند.

امروز ۸ نفر از اعضای هیئت مدیره سندکای کارگران و کارکنان شرکت واحد دستگیر شدند که با

احتساب منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکا مجموعاً ۹

صفحه ۵

زنده باد جنبش همبستگی با کارگران شرکت واحد!

صفحه ۷



جهانی شدن اسلام سیاسی و قتل‌های ناموسی گفتگو با آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن

صفحه ۳



فستیوال میخک سفید علیه قتل‌های ناموسی گفتگو با پروین کابلی، دبیر اجرائی سازمان آزادی زن

صفحه ۶

صندوق همبستگی مالی
با کارگران اعتصابی واحد

صفحه ۴

شهلا دانشفر

سازماندهی هفته همبستگی
با کارگران شرکت واحد

صفحه ۴

اصغر کریمی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

صفحه ۲

ستون اول

محسن ابراهیمی

ارتجاع اسلامی و نیروی سوم در حاشیه انتخابات فلسطین

انتخابات شورای قانونگذاری در فلسطین به پایان رسید و حماس بیشترین صندلیها را به خود اختصاص داد. رای بالای حماس، بیشتر از هر جنبه دیگر این اتفاق توجه رسانه ها و احزاب و دولتها را به خود جلب کرد. چرا حماس توانست به این موفقیت دست یابد؟ آیا این به معنای مشروعیت حماس و سیاستهایش در میان مردم فلسطین است؟ آیا به معنای گرایش اکثریت مردم فلسطین به ایدئولوژی حماس مبنی بر نابودی اسرائیل است؟ آیا این حاکی از پیشروی جنبش اسلامی است؟ نتایج سیاسی این اتفاق برای مردم فلسطین و سرنوشت صلح در منطقه و کلاً خاورمیانه چیست؟

رای اعتراضی به تشکیلات خودگران خبرنگاری از یک زن در ساحل غربی پرسید چرا به حماس رای میدهد؟ جواب آن زن بسادگی این بود: "دولت کنونی هیچ کاری برای ما و کودکانمان نکرده است. نه امنیت برقرار کرده است. نه توانسته است کار برایمان

از صفحه ۱

ستون اول

فراهم کند. نه نان در سفره مان گذاشته است. اینها تماما در خدمت منافع خودشان بوده اند. ببینیم حماس چه کاری میتواند برایمان انجام دهد." در این چند جمله ساده، وجوه مهمی از حقایق انتخاباتی امروز نهفته است. آرزوهای مردم فلسطین را میتوان در همین چند جمله پیدا کرد. جواب آن زن ستکس این نبود که به حماس رای میدهم چون حماس قادر است کودکان اسرائیل را سر راهشان به مدرسه تیکه پاره کند؛ چون حماس وعده داده است مردم یهود را از روی سرزمین اسرائیل محو کند؛ چون حماس شریعت خدا را مستقر خواهد کرد؛ چون حماس طرفدار سنگسار زنان است؛ چون حماس قصد دارد جمهوری اسلامی فلسطین را مستقر کند. قطعا مثل همه جریانانات اسلامی، حماس هم طرفداران ایدئولوژیک مغزشویی شده اش را دارد. اما آرزوهای سیاسی و آمال اکثریت آن کسانی که به حماس رای داده اند را باید در سخنان این زن جستجو کرد. سخنان این زن تحت ستم و محروم به خوبی نشان میدهد که فرق فاحشی است میان آن چیزی که مردم فلسطین میخواهند و آن اهداف ایدئولوژیک و سیاسی ای که حماس به عنوان بخشی از جنبش اسلامی در دستور دارد. به این معنا رای بالای حماس به این معنا نیست که جریان اسلامی از یک حمایت ایدئولوژیک وسیع در جامعه فلسطین برخوردار است. حماس، در واقع آراء اعتراضی مردم به تشکیلات خودگرا و جنبش فتح به عنوان سازمان اصلی و غالب در این تشکیلات را به خود جلب کرد.

حماس، مدیون سیاستهای دولت نژادپرست اسرائیل

یک دهه تمام است که اداره ساحل غربی و نوار غزه به اصطلاح در دست دولت خودگرا است. میگویم به اصطلاح، چون در حقیقت هیچ موقع ساحل غربی و نوار غزه یک جامعه با زیربنای اقتصادی و ساختار مدنی و سیاسی نبوده است. برعکس، این دو منطقه تحت اشغال، مسکن تعداد وسیعی آواره بوده اند که معیشت و سرپناه و امنیتشان به طور روزمره توسط دولت اسرائیل لگد مال شده است. (یاسر عرفات تا پیش از

مرگش در دفتر کارش به طور دوافکتو زندانی بود). فقر و بیکاری و بی آیندهی و یاس و تبعیض و خانه های ویران و ترور و کشتار داستان روزمره زندگی مردم این مناطق بوده است. این وضعیت، منشا نفرت روز افزون مردم از دولت اسرائیل و فاصله گرفتنشان از تشکیلات خودگردان و جنبش فتح شده است. از نظر مردم تشکیلات خود گردان و جنبش فتح به عنوان مسئول اداره این مناطق نتوانسته است به این وضعیت خاتمه دهد. نه تنها این بلکه همیشه اتهام ارتشا و دزدی و فساد بالای سر دولت خودگرا چرخیده است. در چنین شرایطی کاملا قابل فهم است که حماس به عنوان اپوزیسیون مسلح توانسته است هم روی نفرت مردم از اسرائیل و هم فاصله گرفتن مردم از دولت خودگردان سرمایه گذاری سیاسی کند. مخصوصا باید توجه داشت که حماس به یمن حمایتهای مادی جمهوری اسلامی توانسته است شبکه ای از "کارهای خیریه" راه بیندازد و به عنوان یک تاکتیک سیاسی بیشترین بهره را از آن ببرد. حماس، به طور موقت، روی استیصال و یاس و فقر و بی آلتزاتیوی مردم فلسطین سوار شده است.

آیا جنبش اسلامی پیشروی میکند؟

اینجا این سؤال مطرح میشود که مستقل از هر دلیلی، آیا همینکه حماس توانسته است به نقطه امید بخشی از مردم تبدیل شود به معنای یک جهش جدی برای جنبش اسلامی نیست؟ جواب این سؤال مثبت است اگر فقط مقطع بسیار کوتاه انتخابات و رای بالای حماس نقطه آغاز و پایان تحلیل باشد. جواب منفی است اگر مسائل بنیادی مردم منطقه و فلسطین وارد تحلیل شود؛ اگر به این حقیقت بسیار اساسی توجه کنیم که یک تناقض بیندانی میان آرزوهای مردم فلسطین از یکطرف و ایدئولوژی اسلامی ضد انسانی حماس وجود دارد. مردم منطقه صلح و کار و رفاه و امنیت میخواهند و حماس با ایدئولوژی اسلامی ضد انسانیت نمیتواند به هیچکدام این آرزوها جامعه عمل بپوشاند. برعکس حماس اسلامی، خودش بخشی از این مسائل پایه ای مردم

است. اگر این تناقض در دوره اپوزیسیون بودن حماس خودش را به صراحت نشان نداده است؛ در دوره قدرت اجرایی داشتن حماس بسرعت بروز پیدا خواهد کرد. به این معنا، همان عوامل و زمینه هایی که باعث شده اند حماس در مقابل جنبش فتح دست بالا پیدا کند، بسرعت به زمینه ای برای فاصله گرفتن مردم از حماس تبدیل خواهند شد. حماس به عنوان نیروی اصلی شورای قانونگذاری، با حماس به عنوان اپوزیسیون مسلح در مقابل اسرائیل فرق میکند. حماس بسرعت نشان خواهد داد که در فساد و ارتشا و دزدی دست ده سازمان دیگر را از پشت می بندد. تعداد وسیعی از همان کسانی که امروز به حماس رای داده اند بسرعت از حماس فاصله خواهند گرفت و حتی در مقابلش خواهند ایستاد.

سرنوشت صلح در منطقه، بازیگر سوم

سرنوشت صلح در منطقه چه خواهد بود؟ آیا قدرت گیری حماس باعث گسترش جنایت متقابل دولت راست یهودی در اسرائیل و دولت خودگرا تحت تسلط حماس اسلامی خواهد شد؟ آیا این اتفاق، موج جدیدی از به خون کشیدن مردم عادی توسط دو طرف به وجود خواهد آورد؟ آیا چشم انداز صلح میان دو بخش مردم این منطقه تیره تر خواهد شد؟ جواب همه این سؤالات مثبت است اگر جریانات راست اسرائیل و حماس تنها بازیگران صحنه سیاسی باشند. اما اینها تنها بازیگران نیستند. بازیگر سومی وجود دارد که هر چقدر قدرتمندتر عمل کند بیشتر میتواند به این جریانات افسار بزند. این بازیگر مردم صحلدوست و رادیکال و انساندوست اسرائیل و فلسطین و جهان هستند. ایدئولوژی و سیاستهای راست اسرائیل و حماس مستقیما در مقابل آرزوها و خواسته های این بازیگر سوم قرار دارد. روند آتی اوضاع تماما منوط به این است که این نیروی سوم تا چه حد متشکل شود و تا چه حد تحزب پیدا کند و تا چه حد به عنوان نیروی مستقل سیاسی نقش بازی کند.

فشار همین نیرو تاکنون باعث شده است که جریانات مذهبی راست در اسرائیل و جنبش فتح در فلسطین تشکیلات دو دولت در کنار هم را برسمیت بشناسند. همین نیرو باعث

فراخوان کمک مالی به اعتصاب کارگران واحد



به کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری و سازمانهای کارگری در سراسر دنیا

دوستان عزیز!

بدینوسیله می خواهم به اطلاع شما برسانم که سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار بیانیه ای اعلام کرده است که کارگران واحد از روز شنبه ۲۸ ژانویه (۸ بهمن) مجددا دست به اعتصاب خواهند زد.

تا کنون به هیچکدام از خواستهای کارگران شرکت واحد پاسخی داده نشده است. منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکا هنوز در زندان است. فعالین این سندیکا مرتبا تحت فشار قرار داشته اند. در دیمه نزدیک به ۴۰ نفر از اعضا و فعالین سندیکا بمدت چند ساعت تا چند روز بازداشت شد و علیه آنها پرونده سازی صورت گرفته است.

همبستگی و حمایت جهانی و وسیع سازمانهای کارگری از کارگران شرکت واحد تا کنون نقشی بسیار ارزنده و تاثیریری مستقیم بر این مبارزه و روحیه اعتراضی و مصمم کارگران داشته است. اما یک مشکل بسیار مهم کارگران در ادامه

شده است که فردی مثل آریل شارون، حزب راست مذهبی لیکود را ترک کند و حزب کادیمه را تشکیل دهد و شروع کند شهرکهای یهودی نشین را برچیند. از طرف دیگر، آمریکا و دول غرب به دلایل موقعیتشان در باتلاق سیاسی عراق و نفرت روزافزون مردم منطقه از سیاستهای نژادپرستانه اسرائیل و حامی علنیش آمریکا، مجبور شده اند به سیاست دو کشور واقعیتهای سیاسی داخلی و جهانی، حماس اسلامی در قدرت را در مقابل تناقضات پایه ای قرار خواهد داد. فشار این واقعیتها حماس را دچار شکاف درونی خواهد کرد همچنانکه حزب لیکود دچار این

اعتراض فقدان یک پشتوانه مالی است. شما به خوبی واقفید که پشتوانه مالی یک فاکتور تعیین کننده برای اعتصابات کارگری بویژه اعتصابات طولانی است و اعضای سندیکای واحد متأسفانه فقیرتر از آن هستند که بتوانند کمک قابل توجهی به صندوق مالی سندیکای خود بکنند و مهمتر از آن تهدیدات و فشارها و مانع تراشهای جمهوری اسلامی نیز یک مانع جدی برای جمع آوری کمکهای مالی برای کارگران است.

اینجا میخواهم از شما تقاضا کنم که به صندوق سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران کمک کنید. کمکهای مالی شما در کنار حمایتهای سیاسی از مبارزات کارگران، میتواند به پیشبرد و موفقیت مبارزه این کارگران کمک کند.

برای رساندن کمک به کارگران شرکت واحد میتوانید از طریق نمایندگان "کمیته همبستگی کارگری" در کشور خود و یا مستقیما با آدرس اینترنتی من تماس بگیرید، تا ترتیبات رساندن این کمک ها به کارگران داده شود.

با تشکر

شهلا دانشفر
هماهنگ کننده کمیته همبستگی
بین المللی کارگری حزب کمونیست
کارگری ایران

سرنوشت شد. حماس، از یکطرف به عنوان یک جریان ایدئولوژیک اسلامی خواهان جمهوری اسلامی فلسطین پاک شده از یهودیان است و این یعنی کشتار و جنایت بیشتر؛ و از طرف دیگر در مقابل تمایل عمیق و قدرتمند مردم برای صلح و امنیت قرار دارد. پیگیری اهداف اسلامی، حماس را از مردم فلسطین طرفدار صلح و امنیت دور میکند و تن دادن به صلح، بنیادهای ایدئولوژیکش را زیر سؤال میبرد. هر چقدر نیروی سوم نقش متشکلتر در صحنه سیاسی ایفا کند همانقدر بیشتر و سریعتر حماس زیر این تناقضات خرد خواهد شد. *

کنفرانس در باره جهانی شدن اسلام سیاسی، حقوق زنان و قتل‌های ناموسی

مصاحبه با آذر ماجدی رئیس سازمان آزادی زن

در تاریخ شنبه ۲۱ ژانویه، کنفرانسی در باره جهانی شدن اسلام سیاسی، حقوق زنان و قتل‌های ناموسی توسط سازمان آزادی زن، کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران، کودکان مقدمند و همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در شهر استکهلم برگزار شد که با استقبال قابل توجهی روبرو شد. این کنفرانس، فقط گوشه ای از فعالیتهای گسترده این سازمانها علیه اسلام سیاسی است. برای مطلع کردن خوانندگان انترناسیونال از جوانب سیاسی این کنفرانس، ستوانی را با آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن در میان گذاشته ایم که در پایین میخوانید.

انترناسیونال: آذر ماجدی، قبل از هر چیز بگویند هدفتان از برگزاری این کنفرانس چه بود؟ تم‌های اصلی کنفرانس چه‌ها بودند و چرا این تم‌ها در دستور کنفرانس بود؟

آذر ماجدی: هدف اصلی ما روشنگری و آگاهی نسبت به ریشه اصلی قتل‌های ناموسی، نقش اسلام سیاسی و تلاش برای بسیج یک جنبش بین المللی علیه اسلام سیاسی، برای سکولاریسم و دفاع از آزادی و برابری است. ما تاکنون کنفرانس‌های بسیاری را با این هدف سازمان داده ایم و بنظر موفق بوده ایم. علیرغم مانع تراشی‌های رسانه‌ها در مقابل نظرات ما که خلاف جریان بنظر میرسد، اکنون دیگر جنبش ما و مبارزات ما به سطحی رسیده است که نمیتواند آنرا ندیده بگیرند. همین کنفرانس در سوئد وسیعا انعکاس یافت.

اسلام سیاسی و نقش آن در سرکوب حقوق زنان و کودکان و در عقب کشیدن جامعه از استانداردهای بالاتر فرهنگی و اخلاقی مدرن مورد اشاره بیشتر سخنرانان قرار گرفت. قتل ناموسی و علت و راه مبارزه با آن مبحث دیگر بود. این کنفرانس بمناسبت سالگرد قتل فاطمه شاهیندال دختر جوانی که ۴ سال پیش بدست پدرش به قتل رسید، برگزار شد. این دختر جوان در یک خانواده و محیط اسلامی متولد شده و رشد کرده بود و باین خاطر که

تصمیم گرفته بود آنطور که خود میخواست زندگی کند، سنت‌ها را شکسته بود و با یک پسر سوئدی دوست شده بود، در دادگاه خانوادگی به اعدام محکوم شد و پدر این حکم را باجرا درآورد. واقعا تراژیک است. در قرن بیست و یک ما باید شاهد چنین قتل‌هایی باشیم.

متأسفانه فاطمه تنها مورد نیست، یک حادثه منزوی و منفرد نیست. در یک الگو جا میگیرد. طبق آمارهای سازمان ملل ۵ هزار زن و دختر جوان هر سال قربانی قتل‌های ناموسی میشوند که اکثریت بزرگ آنها به محیط‌های اسلامی تعلق دارند. و تازه به گفته خود سازمان ملل این رقم صحیح نیست و تعداد قتل‌ها بسیار از این بالا تر است.

بسیاری از قتل‌ها بعنوان خودکشی ثبت میشود، تعداد بسیار دیگری اصلا ثبت نمیشود. این اتفاقی نیست. چندین هزار زن از خانواده‌های اسلامی و محیط‌های اسلامی به قتل میرسند. علت این را باید جست و این قتل‌ها را متوقف کرد.

این قتل‌ها ریشه در ارزشهای عقیدتی حاکم در این محیط‌ها دارد. ولی باید بگویم در شرایط حاضر باید این جنایات را بخشی از جنایات اسلام سیاسی بدانیم. این جنبش دارد در سطح بین المللی بسنج میکند و تروریسم و ارباب‌را بعنوان مهمترین سلاح استراتژیک و تاکتیکی خود بکار میبرد. قتل‌های ناموسی اکنون دیگر فقط بعلت ارزشهای عقب مانده و سنتی نیست، توسط یک جنبش وسیع بین المللی تشویق و تبلیغ میشود. جنبشی که منابع بسیاری را در اختیار دارد.

انترناسیونال: سخنرانان اصلی کنفرانس چه کسانی بودند؟ انعکاس مباحث کنفرانس در رسانه‌ها چگونه بود؟

آذر ماجدی: هما ارجمند، مینا احدی، مهین علیپور، شهناز یک نویسنده ادبیات کودکان از ایران، ویولت خانمی از سوئد که مسئول خانه‌های امن است و خود من بودیم. گرداننده کنفرانس هم مریم کوشا بود. کنفرانس انعکاس وسیعی داشت، بخصوص تلویزیون سراسری

سوئد گزارشی نسبتا مفصل از کنفرانس در دو اخبار شب پخش کرد. تبلیغات حول و حوش کنفرانس پیش از برگزاری کنفرانس هم وسیعا به پیش رفته بود، بخصوص توسط مهین علیپور و افسانه وحدت از جانب سازمان آزادی زن و کودکان مقدمند که زحمت بسیاری هم برای سازماندهی کنفرانس کشیدند.

انترناسیونال: متنهاست که قتل‌های ناموسی در کشورهای اروپایی اتفاق می‌افتد. دولت‌های غرب، در مقابل این جنایت به مقابله جدی نپرداخته اند. دلایل سیاسی چنین واکنشی چیست؟

آذر ماجدی: احتمالا هر دولتی دلایل خاص خود را داشته است، ولی یک استدلال مبنای اصلی این بی توجهی است: "این فرهنگ خوشان است." دو کلمه تعیین کننده: خودشان و فرهنگ این سیاست را توضیح میدهد. هدف اصلی شلوغ نکردن و باصطلاح دردرس درست نکردن برای دولت است. "سری که درد نمیکند، دستمال نمی‌بندند" اساس برخورد دولت‌های غربی را تشکیل میدهد.

این محیط‌ها بخش اینترگره شده جامعه محسوب نمیشوند، انسان‌هایی که در این محیط‌ها زندگی میکنند، حتی اگر از نظر حقوقی شهروند باشند، در عمل و واقعیت شهروند محسوب نمیشوند. حیانتان، زندگیشان، و شرایطی که در آن زندگی میکنند دارای همان اهمیت و جایگاه "بومی‌های اصیل" نیست. مبارزه با قتل‌های ناموسی و فرهنگ عقب مانده خرج دارد. به عبارتی این یک سیاست راسیستی است که تحت عنوان نسبیست فرهنگی توجیه شده است.

باین ترتیب بسیاری از قتل‌های ناموسی اصلا به این عنوان ثبت نمیشود، پیگیری نمیشود. مجرمین حتی بازداشت نمیشوند، و در صورت دستگیری و محاکمه در مجازاتشان با استدلال فرهنگشان است، تخفیف داده میشود. پیش از وقوع حادثه کمک‌های لازم در اختیار زنان و دخترانی که قتل تهدیدشان میکنند، قرار داده نمیشود. دریک کلام این جنایات جدی گرفته نمیشود. بنظر

من در این سیاست هم میتوان رد پای اسلام سیاسی را دید، چه در تبلیغاتی که بر مبنای نسبیست فرهنگی، باصطلاح آزادی مذهب به پیش میبرد، چه با سیاست تروریستی که دولت‌های غربی را دربرخورد به این جنایات بسیار محتاط میکنند.

اما جنبش ما در این زمینه هم موفقیت‌هایی داشته است. ما توانسته ایم نسبت فرهنگی را بیزان بسیار عقب بنشانیم. توانسته ایم اکثریت خاموش را آگاه کنیم و با خود همراه کنیم. اکنون نسبیست فرهنگی آن مقبولیت ده سال پیش را ندارد. کلا نظریه پست مدرنیسم که نسبیست فرهنگی وجود خود را بعنوان یک تم مقبول و موجه از آن بعاریت گرفته است آن جایگاه و مقبولیت یک دهه پیش را ندارد. بنظر جنبش ما در این مبارزه بسیار موثر بوده است. جنبش ما با نظرات بسیار رادیکالیسم سازش ناپذیر زمینی و قابل درک برای عموم مردم، با مبارزه جویی و اکتویسم خود توانسته است این نظریه راسیستی و ارتجاعی را به عقب بنشاند. این واقعیت که اصل و نسب ما به یک محیط اسلام زده برمیگردد در عین حال کمک کرده است تا اکثریت خاموش جرئت و جسارت اعلام نظر پیدا کند. آنها پشت‌شان را به ما میدهند و این تز و سنت‌های عقب مانده را نقد میکنند.

انترناسیونال: گفتید که مقابله با اسلام سیاسی یک موضوع اصلی در این کنفرانس بود. لطفا رابطه اسلام سیاسی با قتل‌های ناموسی را توضیح دهید.

آذر ماجدی: من در سخنرانیم اشاره کردم که یک چیز قتل فاطمه شاهیندال، با قتل آینور در آلمان، با اعدام و تجاوز دسته جمعی به عافه رجبی دختر ۱۶ ساله در ایران، با حکم سنگسار حاجیه اسماعیل وند، با قتل و اسید پاشی به دختران در پاکستان و بنگلادش و بمب گذاری در لندن و مادرید و ۱۱ سپتامبر در نیویورک را به هم متصل میکنند. و آن اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی

ایدئولوژی، ارزش‌ها و نظرات خود را عمدتا از اسلام میگیرند ولی اکنون به یک جنبش بین المللی خطرناک تبدیل شده است، که از محیط‌های اسلامی با عوامفریبی، دماغ‌وژی و متوسل شدن به عقب مانده ترین پیوند‌های عاطفی و

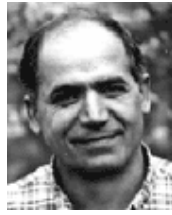
ناسیونالیستی و مذهبی عضو گیری میکند. با توسل به راسیسم واورونه، با ایجاد یک هویت جعلی و واورونه در این محیط‌ها این محیط‌ها را آلوده میکنند، و کودکان و جوانان را شستشوی مغزی میدهد. این جنبش مسبب رشد این نظرات ارتجاعی و خشونت علیه زنان است. لذا منشاء این قتل‌ها فقط فرهنگی-مذهبی و ناشی از ارزش‌های حاکم نیست. این قتل‌ها یک پایه سیاسی نیز دارد. به این اعتبار باید با اسلام سیاسی مبارزه کرد. اسلام سیاسی را عقب نشاند و همانگونه که این جنبش بین المللی عمل میکند ما هم باید یک جنبش بین المللی علیه آن سازمان دهیم. باید با اسلام سیاسی و همچنین با قطب دیگر تروریسم دولتی که با سیاست‌های میلیتاریستی و ارتجاعی باعث رشد اسلام سیاسی شده است و زمینه را برای مقبول شدن اسلام سیاسی در این محیط‌ها فراهم کرده است مبارزه داریم ولی پیشروی‌های مهمی نیز داشته ایم.

انترناسیونال: در مقابل این ادعا که میگویند قتل‌های ناموسی منشاء فرهنگی دارد و ربطی به اسلام ندارد چه میگویید؟

آذر ماجدی: در بالا توضیح دادم حتما منشاء فرهنگی نیز دارد. ارزش‌های حاکم بر یک جامعه و محیط عملا فرهنگ حاکم را میسازد. منتهی مساله اینجاست که مذهب خود یک وجه مهم فرهنگ است. جوامع اسلام زده دارای سنت‌ها و ارزش‌های مشابه‌ای هستند که به اسلام و تاریخ حاکمیت اسلام و سنت‌های اسلامی برمیگردد. یک وجه مشترک این جوامع بیحقوقی زنان است. و سنت‌هایی مثل چند همسری و غیره که همه از قوانین اسلام ناشی میشود. زنان قربانی قتل‌های ناموسی میشوند باین خاطر که فرهنگ و ارزش‌های حاکم زن را مایملک مرد و بنده و عبید او میداند، پس اگر زنی "دست از پا خطا کند" مستوجب مرگ است. به همان صورتی که زن را بخاطر رابطه

سازماندهی هفته همبستگی با کارگران شرکت واحد

اصغر کریمی



صندوق همبستگی مالی با کارگران اعتصابی در شرکت اتوبوسرانی واحد در تهران

تقویت بنیه مالی سندیکای شرکت واحد و کمک به این اعتصاب نقش مهمی ایفا کنند.

ما در اینجا صندوقی را برای جمع آوری کمک برای سندیکای شرکت واحد اعلام میکنیم و از همه مردم آزادیخواه میخواهیم که به این صندوق کمک کنند.

صندوق همبستگی مالی با کارگران یکی از سنت های جاافتاده در مبارزات کارگری و ظرفی برای ایجاد همبستگی و تقویت اتحاد در میان کارگران است. صندوق همبستگی مالی در حمایت از کارگران اعتصابی میکوشد که به این نیاز پاسخ دهد. به صندوق همبستگی مالی در دفاع از کارگران شرکت واحد کمک کنید.

کمک های خود را به این شماره واریز کنید:

40011845429

Nordea Bank
Sweden

هماهنگ کننده کمیته همبستگی
کارگری حزب کمونیست کارگری ایران
شهلا دانشفر

مبارزات کارگران شرکت واحد وارد مرحله حساسی شده است. کارگران شرکت واحد در ادامه مبارزاتشان تصمیم گرفته اند که از روز شنبه ۸ بهمن وارد اعتصاب شوند. خواستهای کارگران شرکت واحد از جمله خواست آزادی اسانلو، انحلال شوراها و اسلامی، حق تشکل آزاد کارگری، انعقاد قرارداد دسته جمعی توسط نمایندگان منتخب کارگران خواستهای کل کارگران است. باید با تمام قوا از اعتراضات کارگران شرکت واحد حمایت کرد.

یک وجه مهم کمک به پیروزی این اعتصاب و مبارزه کارگران شرکت واحد و تقویت سندیکای آنها در مقابل شورای اسلامی و خانه کارگر کمک مالی به این کارگران است. امورات مختلف سندیکا، اطلاع رسانی در میان ۱۷۰۰۰ کارگر شاغل در این شرکت، سازماندهی اعتصاب همه و همه هزینه های زیادی در بر دارد، مهاجرین ایرانی و مردم آزادیخواه، میتوانند با کمک مالی خود، در

صرفه‌مان و نشان دادن آرمانهای انسانی و حق طلبانه مان باید این بندها را، که استثمارگران بخاطر منافع زمینی خود برای ما ایجاد کرده اند، پاره کنیم. نیروی ما بسیار است به شرطی که آترا به میدان بیاوریم. نیروی ما شکست ناپذیر است اگر به درست و با دلسوزی سازمانش دهیم، ما پیروز میشویم اگر به نیروی عظیم خود اتکا کنیم. مبارزه کارگران واحد یک مبارزه ادامه دار است. بیائید تا در کوران این مبارزه سبک تازه ای از یک مبارزه سازمان یافته و مدرن و انسانی به نمایش بگذاریم. آنگاه هر کارگری به وجد خواهد آمد، هر انسان آزادیخواهی به حرکت درخواهد آمد، محرومان و ستمدیدگان احساس قدرت و شغف خواهند کرد و به پیروزی های بسیار بزرگتر و تعیین کننده تر امیدوار خواهند شد. و آنگاه به تلاش برای یک زندگی انسانی و بی تبعیض، به یک زندگی که شایسته انسان باشد، به برابری و آزادی و رفاه و حاکم شدن بر مقدرات زندگی خود دل خواهند بست.

تلاش میکنند همین ها را از ما بگیرند، ما را بگیرند و به سلولهای اوین میبرند تا این نیرو را به خدمت نگیریم، وعده میدهند و وعظه میکنند تا به این نیروی بی انتهای واقف نشویم و به انتظار الطاف استثمارکنندگان و سرکوبگرانمان دست روی دست بگذاریم تا همچنان شیره جانمان بکشد، نحیف و فرسوده مان کنند، خانواده هایمان را از هم پاشند، تحقیرمان کنند و توی سرمان بزنند. در حالی که تمام روز و ماه و سال و عمرمان به کار بی مزد و پرمشقت و پرمخاطره میگذرد، حتی خوراک و تحصیل و داروی جگرگوشه های نازنینمان را هم از ما ربوده اند، تا کاهی خود را از استثمار ما بسازند و ما را در قعر جهنمی که برایمان ساخته اند رها کنند. بیائید علیه همه اینها بشوریم.

زنده باد جنبش همبستگی
زنده باد اعتصاب

سازمان داده شود. نیروی کارگران بسیار وسیعتر از اعتصاب و تجمعات اعتراضی آنها است. همه این نیرو باید بکار افتد. همسران و اعضای خانواده های کارگران بخشی از این طبقه اند و باید سنت های محدود کننده را به دور بیندازند و برای به پیروزی رساندن اعتصاب به میدان بیایند. صدها مبلغ و سخنران جسور و ورزیده، صدها سازماندهنده زبردست و توانا از میان همسران و اعضای خانواده کارگران در جریان این مبارزه باید شکل بگیرد و فردا در خدمت مبارزات کارگران واحد و کل طبقه کارگر قرار گیرد. دهها نفر از همسران کارگران باید در تجمعات اعتراضی کارگران واحد پشت تریبون بروند و سخنرانی کنند، همان زن شجاعی که جلو اتوبوس اعتصاب شکنان قرار میگردد، این صلاحیت را هم دارد که در تجمعات چند هزار نفره کارگران رفقای کارگرش را به شور و همبستگی و تداوم مبارزه فراخوان دهد. دهها و صدها کادر ورزیده از میان کارگران و همسرانشان در جریان این جنبش همبستگی میتوانند و باید با به میدان بگذارند تا تصویری دیگر از طبقه کارگر در جامعه شکل بگیرد و پیامی دیگر از جانب کارگران واحد به جامعه داده شود. جمهوری اسلامی باید خود را در حلقه محاصره یک جنبش عظیم توده ای ببیند. این ممکن است و باید توسط کارگران آگاه و سوسیالیست، به همت دانشجویان مبارز و آزادیخواه، توسط زنان برابری طلب و معلمان آزادیخواه سازمان داده شود و تجربه جدیدی از مبارزه کارگری و همبستگی طبقاتی در جامعه شکل بگیرد.

مبارزه کارگران شرکت واحد به مرحله حساس و مهمی پا گذاشته است. اعتصاب مجدد از روز شنبه ۸ بهمن، شروع دور تازه ای از رودرویی کارگران با جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی نیز اهمیت این اعتصاب را میدانند و همه تلاشهای خود را برای مرعوب کردن فعالین کارگری و خورد کردن روحیه کارگران بکار گرفته است. شکل دادن به یک جنبش همبستگی در تهران، در سراسر کشور و در سطح بین المللی یک فاکتور ضروری و مبرم در کمک به کارگران و اعتصاب آنها است، یک فاکتور مهم در مقابله با توطئه ها و تهدیدات و تلاشهای حکومت است. بیائیم این هفته را همه جا به همبستگی با این مبارزه تبدیل کنیم. از مراکز کارگری تا دانشگاهها، از مدارس و ادارات تا محلات مختلف شهرها، و در خارج کشور همه جا به هر شکل که میتوانیم به این مبارزه یاری رسانیم. میتینگ های حمایتی برگزار کنیم، به کارگران واحد پیام های پشتیبانی بفرستیم، بیانیه اعتصابشان را هرچه وسیعتر پخش کنیم، برای صندوق آنها کمک مالی جمع کنیم، طومارهای آزادی اسانلو و دفاع از خواستهای آنها راه بیندازیم، و با شروع اعتصاب خبرش را همه جا برسانیم، در تجمعات کارگران با پلاکاردهای با امضای مراکز مختلف کارگری و یا دانشجویی، به نام مدارس شهر و یا محلات مختلف شرکت کنیم و این تجمعات را به صحنه های باشکوه همبستگی طبقاتی تبدیل کنیم، در هر محله و دانشگاهی، در هر کارخانه و مدرسه ای کمیته های همبستگی تشکیل دهیم و تعداد هرچه بیشتری از دوستان و آشنایانمان را در این فعالیت سهیم کنیم. هرچه ابعاد این جنبش وسیعتر باشد، اهمیت این اعتصاب، قدرت این اعتصاب، پیروزی های اعتصاب و تاثیرات سیاسی آن، بیشتر و بیشتر میشود. همسران و اعضای خانواده های کارگران واحد، میتوانند ستون فقرات جنبش همبستگی باشند. دهها کمیته همبستگی باید به همت آنها

در خانواده ها، سنتهای ارتجاعی و تبعیض آمیز باید به دور افکنده شود و زنجیرهای کهنه از هم گسسته شود، تا این نیروی مهم و قدرتمند از بند رها شود و به میدان بیاید. این نیز بخشی از مبارزه ما برای ایجاد روابط انسانی و برابر و علییه تبعیضات و خرافاتی است که نیروی ما را به بند کشیده است. بخاطر اتحاد عمیق ترمان، برای گسترش

از صفحه ۳ گفتگو با آذر ماجدی

بسیار عقب بنشینیم، توانسته ایم بخش مهمی از جامعه را نسبت به تاثیرات و اهداف اسلام سیاسی آگاه کنیم. توانسته ایم تا حدود زیادی گوش ها و چشم های جامعه را نسبت به حقایق این فجایع و راه مبارزه با آن آگاه کنیم.

بنظر من ما باید به یک جنبش سکولار آزادیخواه و برابری طلب در سطح جهانی دامن بزنیم که به صراحت و با قدرت در مقابل اسلام سیاسی و جنبش های مذهبی قد میلیتاریستی و تروریستی دولت های غربی به سرکردگی آمریکا نیز موضعی محکم اتخاذ میکنند و از آزادی و برابری دفاع میکنند. این تنها تضمین مقابله موفقیت آمیز با تروریسم و ارباب و عقب ماندگی و بی حقوقی در جامعه است.

کنفرانس قطعنامه ای ۶ ماده ای را به تصویب رساند که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. سازمان آزادی

جمع هائی از کارگران

۶ پتروشیمی در جنوب ایران از کارگران شرکت واحد حمایت کردند

- پتروشیمی رازی
- پتروشیمی مارون
واقع در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر

به کارگران شرکت واحد تهران

بدینوسیله ما تعدادی از کارگران و کارکنان شاغل در کارخانجات نامبرده بالا از اعتراضات و مبارزات شما اعلام حمایت کرده و امیدواریم از این مبارزه که در شرایط خطیری صورت میگیرد، سربلند و سرفراز بیرون آئید. پیروزی شما، پیروزی همه کارگران ایران است. ما را در کنارتان بدانید. خواستهای شما خواستهای همه ماست. تا همینجا مبارزه شما تاثیرات خودش را بر جامعه و بویژه بر مردم تهران گذاشته است. دانشجویان، کارگران و زنان زیادی از شما حمایت کرده اند و از این به بعد هم خواهند کرد. مردم در مبارزه شما انعکاس خواستهایشان را میبینند. در یک کلام خواست مردم آزادی از قید و بندهای است که شما هم هر روزه با آن دست به گریبان بودید. خواست آزادی تشکل، خواست آزادی اسانلو به مثابه خواست آزادی زندانیان سیاسی، خواست انحلال شوراها، خواست آزادی و بالاخره خواست حداقل دستمزد ۵۰۰ هزار تومان

خواست همه انسانهای شریف و فلاکت جانسان به لبشان رسیده است و به همین خاطر است که شما مورد توجه و حمایت همه مردم هستید. شما تنها با اعتماد به نفس بالا و مبارزه و اعتصاب متحدانه است که میتوانی از این میدان پیروز در بیانی. شما تنها نیستید و ما نیز وظیفه طبقاتی خود میدانیم که از اعتصاب برحق شما حمایت کرده و بدینوسیله شما را یاری برسانیم. همینجا، در همین مجتمع ها و در میان کارگران از مبارزات شما به عنوان حرکتی بسیار مهم یاد میشود و دقیق مبارزاتتان پیگیرانه دنبال میشود و بی شک پیروزی شما هزاران کارگر و انسان شریف را شاد خواهد کرد.

دستان را بگرمی میفشاریم و آرزوی پیروزی مبارزه و اعتصابتان را داریم.

اسانلو آزاد باید گردد
تمامی خواستهای کارگران متحقق باید گردد
زنده باد اتحاد طبقاتی کارگران

طبق گزارشی که برای حزب کمونیست کارگری ارسال شده است، جمع هائی از کارگران پتروشیمی بندر امام، پتروشیمی فن آوران، پتروشیمی غدیر، پتروشیمی فارابی، پتروشیمی رازی و پتروشیمی مارون در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر با ارسال نامه ای به کارگران شرکت واحد از مبارزه آنها و مطالبات حق طلبانه آنها حمایت کردند، خواهان آزادی اسانلو و کلیه زندانیان سیاسی، آزادی تشکل، انحلال شوراها، آزادی اسلامی و افزایش حداقل دستمزد به ۵۰۰ هزار تومان شدند و بر هم سرنوشتی طبقاتی خود تاکید کردند.

کارگران این مراکز در نامه خود نوشته اند: در این مجتمع ها و در میان کارگران از مبارزات شما به عنوان حرکتی بسیار مهم یاد میشود و دقیق مبارزاتتان پیگیرانه دنبال میشود و بی شک پیروزی شما هزاران کارگر و انسان شریف را شاد خواهد کرد.

اعتصاب و اعتراض کارگران شرکت واحد تهران انعکاس گسترده ای در میان کارگران و بخشهای مختلف مردم در سراسر کشور داشته و پیروزی آنها قدم مهمی مبارزه آنها را برای بهبود شرایط زندگی و رهائی از جهنمی که سرمایه داری و جمهوری اسلامی بر آنها تحمیل کرده است به جلو خواهد برد.

حزب از همه مردم، از کارگران مراکز مختلف، از کارگران نفت و ماشین سازی ها، آب و برق و شهرداریها، از کارگران ذوب آهن و نساجی ها، از دانشجویان دانشگاههای مختلف، از معلمان و دانش آموزان و بخشهای مختلف مردم میخواهد از خواست های بحق کارگران واحد فعالانه حمایت کنند، نامه های حمایت برای آنها بفرستند، در تجمعاتشان شرکت کنند و به هر شکل که میتوانند آنها را یاری دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲ بهمن ۱۳۸۴، ۲۲ ژانویه ۲۰۰۶

ضمیمه:
نامه جمع هائی از کارگران و کارکنان شاغل در کارخانجات:

پتروشیمی بندر امام
- پتروشیمی فن آوران
- پتروشیمی غدیر
- پتروشیمی فارابی

۸ نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکای واحد بازداشت شدند

بافته، مدیر عامل جدید شرکت واحد، در جمعی چند ده نفره کارگران واحد در منطقه شش تلاش کرده است کارگران را متقاعد کند که دست به اعتصاب زنند اما کارگران بر اعتصاب خود پافشاری کرده اند. امروز نیز مدیر عامل واحد به منطقه شش رفت تا با کارگران صحبت کند اما کسی او را تحویل نگرفت.

مردم تهران، کارگران، مردم ستمدیده!
رودرروشی مهمی میان کارگران شرکت واحد و حکومت اسلامی در جریان است. با تمام قوا خود را برای حمایت همه جانبه و فعال از کارگران شرکت واحد آماده کنید. تلاشهای جمهوری اسلامی در مقابل کارگران محروم و زحمتکش واحد باید با حمایت پرشور شما جواب بگیرد و پوزه حکومت اسلامی به خاک مالیده شود. پیروزی کارگران در این رودرروشی، پیروزی همه مردم محروم و زحمتکش است. در مقابل مشتکی دزد و جنایتکار که زندگی دهها میلیون انسان زحمتکش را به سیاهی و تباهی کشانده اند با تمام قوا باید ایستاد و تلاششان را ناکام گذاشت.

حزب کمونیست کارگری ایران

حائز اهمیت است. این مبارزه میتواند و باید به پیروزی برسد و برای پیروزی حمایت همه ما لازم است.

حزب بار دیگر از همه سازمانهای کارگری در سراسر جهان میخواهد حمایت و همبستگی خود با کارگران شرکت واحد را هرچه بیشتر گسترش دهند. مبارزه کارگران شرکت واحد وارد مرحله حساسی شده است و حمایت گسترده جهانی از آن یک شرط پیروزی این اعتصاب است.

حزب کمونیست کارگری ایران

کارگری را محکوم کنید. تلاشهای جمهوری اسلامی در مقابل کارگران محروم و زحمتکش واحد باید با حمایت پرشور شما جواب بگیرد. همه جا باید صحنه پرشکوه همبستگی شکل بگیرد و جنبش گسترده ای در همبستگی با کارگران برافتن تا پوزه حکومت اسلامی به خاک مالیده شود. پیروزی کارگران در این رودرروشی، پیروزی همه مردم محروم و زحمتکش است.

حزب کمونیست کارگری ایران

علیه جمهوری اسلامی است عده ای مزدور وابسته به آمریکا قصد راه اندازی اعتراض دارند. از رادیو دولتی جمهوری اسلامی نیز، بازداشت شدگان امروز بعنوان خرابکار و ضدانقلاب معرفی شده اند. قالیباف نیز در صحبت با خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی، سندیکا را مورد تهدید قرار داده بود و گفته بود که مانع این اعتصاب خواهند شد. از طرف دیگر شایع کرده اند که ده هزار بسیجی را برای شکستن اعتصاب آماده کرده اند. این اقدامات همگی بیانگر تلاش همه جانبه جمهوری اسلامی برای مقابله گسترده با کارگران شرکت واحد است. علیرغم همه اینها کارگران همچنان مصممانه خود را برای اعتصاب شنبه و همچنین مقابله با اعتصاب شکنی آماده میکنند. فعالین کارگری میگویند اگر در اعتصاب ۴ دیماه هنوز بخشی از کارگران آمادگی نداشتند، امروز عموم کارگران میدانند که همه راههای دیگر شکست خورده و راه دیگری بجز اعتصاب باقی نمانده است و این اعتصاب بسیار قدرتمندتر خواهد بود. دیروز احمدی

اما اقدامات جمهوری اسلامی برای پیشگیری از اعتصاب روز شنبه ۸ بهمن به این دستگیری ها محدود نیست و دامنه بسیار وسیعتری دارد و تهدیدات به طرق مختلف ادامه دارد. امروز اطلاعاتی ای در سطح شهر تهران با امضای جمعی از بسیجیان منتشر شده است که در آن کارگران معترض به وابستگی به آمریکا متهم شده اند. در این اطلاعاتی گفته شده است که در شرایطی که آمریکا مشغول تهدید

از صفحه ۱ کارگران شرکت واحد تصمیم ...

شرکت واحد میخواهد که هرچه متحدانه تر و یکپارچه تر از فراخوان اعتصاب توسط سندیکا پشتیبانی کنند و همراه با خانواده های خود در تجمعات اعتراضی شرکت کنند.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران، دانشجویان و مردم آزادخواه را به حمایت پرشور از این اعتصاب فرامیخواند. پیروزی این اعتصاب نه تنها برای ۱۷ هزار نفر کارگران و کارکنان شرکت واحد اهمیت دارد، بلکه برای همه مردم

از صفحه ۱ به احضارها و دستگیریها ...
شده باید فوراً آزاد شوند و به کلیه احضارها باید پایان داده شود.

مردم تهران، کارگران، مردم ستمدیده!
جمهوری اسلامی همه توان خود را برای مقابله با اعتصاب کارگران و کارکنان شرکت واحد بکار گرفته است. با تمام قوا از کارگران و مبارزه آنها حمایت کنید و سیاست سرکوب رژیم را به عقب برانید. به هر شکل که میتوانید از خواست آزادی این ۹ نفر و سایر خواستهای کارگران پشتیبانی کنید و دستگیری و احضار فعالین

قبلا به اطلاع رساندیم که بازجویی از اعضای هیئت مدیره سندیکای واحد تا دیروقت عصر امروز ادامه داشت. طبق خبر جدیدی که به حزب رسیده است، علاوه بر ابراهیم مددی، داود رضوی، سعید ترابیان، منصور حیات غیبی، عبدالرضا طرازی و علی زاده حسین، دو نفر دیگر از اعضای هیئت مدیره ناصر غلامی و عباس نژد کودکی نیز همراه با این شش نفر بدنبال بازجویی های امروز بازداشت شدند و سایر اعضای هیئت مدیره نیز به دادگاه احضار شده اند. اعضای هیئت مدیره اظهار داشته اند که تصمیم ندارند در دادگاه حاضر شوند.

برای پیشگیری از اعتصاب روز شنبه ۸ بهمن به این دستگیری ها محدود نیست و دامنه بسیار وسیعتری دارد و تهدیدات به طرق مختلف ادامه دارد. امروز اطلاعاتی ای در سطح شهر تهران با امضای جمعی از بسیجیان منتشر شده است که در آن کارگران معترض به وابستگی به آمریکا متهم شده اند. در این اطلاعاتی گفته شده است که در شرایطی که آمریکا مشغول تهدید

اعتراضی در میان کارگران و کارکنان شرکت واحد بالا است و بخشهایی از کارگران شرکت واحد طی دو اطلاعاتی مجزا، خواهان اعتصاب شده بودند. خواست هائی که در این بیانیه بر آن تاکید شده است، آزادی اسانلو و انعقاد قراردادهای دسته جمعی است که دو خواست مهم کارگران شرکت واحد است.

حزب ضمن حمایت قاطع از این اعتصاب، از کلیه کارگران و کارکنان از صفحه ۱ به احضارها و دستگیریها ...
شده باید فوراً آزاد شوند و به کلیه احضارها باید پایان داده شود.

مردم ستمدیده!
جمهوری اسلامی همه توان خود را برای مقابله با اعتصاب کارگران و کارکنان شرکت واحد بکار گرفته است. با تمام قوا از کارگران و مبارزه آنها حمایت کنید و سیاست سرکوب رژیم را به عقب برانید. به هر شکل که میتوانید از خواست آزادی این ۹ نفر و سایر خواستهای کارگران پشتیبانی کنید و دستگیری و احضار فعالین

فستیوال میخک سفید علیه قنهای ناموسی

مصاحبه با پروین کابلی دبیر اجرایی سازمان آزادی زن، مبتکر "فستیوال میخک سفید" در گوتنبرگ و کنفرانس "جهان شدن اسلام سیاسی و حقوق زنان" در استکهلم

انترناسیونال: پروین کابلی خسته نباشید به خاطر فستیوال زیبا و شورانگیز میخک سفید و سازماندهی کنفرانسی موفق در استکهلم. لطفا بگویید این فستیوال چگونه شکل گرفت، چه هدفی دارد و تا کنون چه فعالیتهایی داشته است؟

پروین کابلی: با تشکر از شما، ایده فستیوال میخک سفید چهار سال پیش در اولین سالگرد قتل فادیمه سهیندال شکل گرفت. لازم به یاد آوری است که میخک سفید گل مورد علاقه فادیمه سهیندال بود و در مراسم تشییع جنازه وی مردم سوئد ۳۰ هزار گل میخک سفید را بدرقه اش کردند. این فستیوال به ابتکار من شروع شد و هدف آن در وهله اول گرمیداشتن کسانی بود که قربانی ناموس پرستی و سنت و خرافه هستند. و همچنین این فستیوال میخواست روی احترام به حق زندگی انسانها و یاد آوری این نکته که حقوق جهانشمول انسان را نمیتوان به ملیت و نژاد و مرز تقسیم کرد تاکید کند و آن را در مدت یک هفته به سوال اصلی جامعه تبدیل میکند.

انترناسیونال: برنامه چهارم فستیوال که هفته گذشته انجام شد چه فعالیتهایی را در دستور داشت و چگونه پیش رفت؟

پروین کابلی: فستیوال میخک سفید امسال با برگزاری میزهای اطلاعاتی در مرکز شهر گوتنبرگ شروع شد. میزهای اطلاعاتی برای ما بخاطر تماس و نزدیکی با مردم اهمیت خاصی دارد. در این روزها صدها نفر از میزهای ما بازدید کردند. ما به بحث و گفتگو پرداختند و نشریه و کتابهای ما را خریدند و با نظرات ما آشنا شدند. همزمان هم مصاحبه با مطبوعات را در مورد نظراتمان شروع کردیم و در بحثهای رادیویی و روزنامه های مختلف در مورد تم امسالمان که حجاب کودکان و مدارس مذهبی بود صحبت کردیم. روز سوم فستیوال کنفرانسی یک روزه داشتیم که با برگزاری نمایشگاه عکس، کنفرانس مطبوعاتی و تماس با رسانه ها شروع شد. این کنفرانس در چند سال گذشته اساسا مخاطبینش

مسئولین مدارس، معلمین و کارمندان کمونها، دانشجویان و محققین؛ پرستاران مدارس و همینطور سازمانهای فعال حقوق بشر بوده اند که از آن استقبال بسیاری کرده اند. کنفرانس غیر از سخنرانی شامل پانل و تاتر هم بود. سخنران اصلی امسالمان هما ارجمند از کانادا بود و سوال محوری در پانل به اینصورت بود: آیا وجود مدارس مذهبی حقی دموکراتیک است یا علیه برابری؟ شرکت کنندگان در پانل عبارت بودند از نمایندگان احزاب سوئدی، سازمانهای زنان و همسینطور اسماعیل مولودی از طرف فستیوال میخک سفید. روز آخر فستیوال هم که سالروز قتل فادیمه بود با برگزاری یک همایش عمومی در میدان مرکزی شهر با موزیک و سخنرانی نمایندگان احزاب مختلف و گذاشتن گلهای میخک سفید در کانال مرکزی شهر در گرمیداشتن فادیمه و همه جوانانی که قربانی خشونت و نابرابری شده اند پایان پذیرفت.

انترناسیونال: سخنرانان کنفرانس چه کسانی بودند؟ انعکاس فستیوال در رسانه ها چگونه بود؟

پروین کابلی: سخنرانان امسال فستیوال خود من، هما ارجمند سخنگوی "علیه دادگاههای شریعه در کانادا"، زانیا آرمی سردبیر نشریه سوئدی "گرینگو"، و لاسه یوهانسون از پروژه "برابری در استان غرب سوئد" و دختر جوانی بنام فریدا از پروژه "جوانان و جامعه" بودند که هر کدام از زاویه های مختلف بحث و گفتگو کردند. انعکاس فستیوال در رسانه ها فوق العاده خوب بود. تعدادی، مثل روزنامه "یوتیوری پستن"، قبل از شروع فستیوال مصاحبه ای با من و کل برنامه ها و محل اجرای آن را چاپ کردند. بعدا هر روز تقریبا در این مورد مطلبی مثل مصاحبه و یا رپرتاژ چاپ میکردند. مثلا از میز اطلاعاتی ما بازدید کردند و مصاحبه ای با شهلا نوری و اسماعیل مولودی داشتند. و همینطور روزنامه GT مقاله ای در رابطه با مدارس مذهبی از اسماعیل مولودی را به چاپ رساند که خیلی

مورد توجه قرار گرفته است.

انترناسیونال: در اطلاعیه های فستیوال، به حضور ناگهانی عده ای عباپوش و حجابدار در کنفرانس در ۱۹ ژانویه اشاره شده است. موضوع چی بود؟ واکنش شرکت کنندگان چه بود؟

پروین کابلی: سنت ۴ سال گذشته این بوده است که کسانی که در کنفرانس میخوانند شرکت کنند اسم نویسی میکنند. بدلیل محبوبیت کنفرانس ما همیشه ۴ روز قبل از کنفرانس دیگر جا رزرو نمیکنیم و حدودا ۲۰ صندلی خالی را برای کسانی که میخوانند بدون اسم نویسی بیابند خالی میگذاریم. تعدادی از شرکت کنندگان هم نوشته بودند که مثلا بجای ساعت یک که ساعت شروع کنفرانس بود ساعت دو میایند. در حالی که من مشغول سخنرانی افتتاحیه بودم متوجه شدم که تعدادی با لباس های اسلامی و عبا و برقه وارد سالن شدند و بلافاصله جاهای خالی را پر کردند. بعد از سخنرانی من هما ارجمند صحبت کرد و من به

خارج سالن رفتم و متوجه شدم که تعدادی از همین ها در بیرون هستند. رفقای ما که در بیرون سالن انتظارات را بعد داشتند بعد از اینکه متوجه شده بودند که اینها مدام بیشتر و بیشتر میشوند و به تاکیدات مسئولین انتظامات در مورد نبودن جا هم توجه نکرده بودند، ناچار شده بودند که پلیس را در جریان بگذارند که خوشبختانه آنها هم سرعت خود را به محل رسانده بودند. خبر در شهر بلافاصله پخش شد و تعدادی از دوستان سوئدی و ایرانی که خبر را شنیده بودند بلافاصله برای حمایت از ما به محل برگزاری کنفرانس آمدند.

حضور این عده بلافاصله کمی نگرانی در میان حضار بوجود آورد که با دیدن برخورد ما به آنها و متانتی که برگزار کنندگان کنفرانس از خود نشان دادند حضار هم آرام شدند. هنگامی که استراحت داده شد تعدادی از اسلامپوش شروع به برگزاری نماز جماعت کردند. تعدادی خبرنگار و فیلسفردار از جمله خبرنگار تلویزیون سوئد و یوتیوری

آزاد در آنجا حضور داشتند که مشغول فیلمبرداری بودند که با اعتراض چند نفر از اسلامپوش روبرو شدند که چرا عکس تهیه میکنید؟ در طول استراحت ما با تعدادی از آنها به بحث و گفتگو پرداختیم. به دلیل برخورد با اعتماد به نفس و آرام ما هدف آنها به ضد خودش تبدیل شد. میخواستند ترس و نگرانی بوجود بیاورند که نتوانستند. شرکت کنندگان آنها را مورد بازخواست قرار دادند و به شیوه حضور آنها اعتراض کردند. در هنگام بازگشت به درون سالن کنفرانس احساس کردم این جماعت پشم و پیله شان ریخته و قیافه درهم و پریشان و مایوس به خودشان گرفته اند. گویا خود آنها هم متوجه شده بودند که عملا حضورشان بضد خودشان تبدیل شده است. در هنگام سوال و جواب پانل، اگر چه امسال آگاهانه وقت زیادی برای شرکت کنندگان در نظر گرفته شده بود، فقط سه نفر از آنها دستشان را بلند کردند و حرف زدند که جواب گرفتند.

انترناسیونال: فعالیت اسلامپوش در سوئد در حال حاضر در چه سطحی است؟ برخورد دولت سوئد چگونه است؟ برخورد مردم عادی با تحریک جریانات اسلامی چیست؟

پروین کابلی: جنبش اسلام سیاسی در سوئد هم مانند جاهای دیگر اروپا در سالهای گذشته به تحریکات زیادی دست زده است. تبلیغات در میان جوانان یکی از بزرگترین کارهایی است که انجام میدهند و یکی از کارهایشان رشد کلاسهای قرآن است. بدلیل مباحثات دولت و تعریفی که دولت از جامعه چند فرهنگی دارد، اینها میدان تحریک بازاری پیدا کرده اند. حجاب کودکان و گسترش مدارس مذهبی یکی از نتایج این

اوضاع است. تجاوز آشکار به حقوق زنان و کودکان در میان اینها به یک امر عادی تبدیل شده است و دولت به آن بی توجه است. مردم بسیار متفاوت از دولت برخورد میکنند. بخشهایی از مردم آشکارا مخالفت خود را ابراز میکنند و نگران از بین رفتن دستاوردهایی هستند که برای آن مبارزه کرده اند. بخشهایی هم هستند که مردم و سرگردانند و نمیدانند چکار کنند چرا که نگران هستند که به عنوان راسیست قلمداد شوند. و گروههای بظاهر چپی هم هستند که به جای دفاع از سکولاریسم و رادیکالیسم عملا آب به آسیاب جریانات مذهبی میریزند. از نسبییت فرهنگی تحت عنوان احترام به چند فرهنگی دفاع میکنند و بیشترین امرشان عکس گرفتن و دست دادن با رهبران مذهبی است. اینان نقش بسیار جدی در دامن زدن به فضای راست در جامعه دارند و در نتیجه نقش ما نه تنها افشا و مقابله با اسلام سیاسی بلکه همچنین افشای این جریانات است.

انترناسیونال: نقش فعالیتهای شما در به عقب راندن جریانات اسلامی چه بوده است؟ چقدر توانسته اید اینها را به عقب برانید و برنامه های بعدی شما چیست؟

پروین کابلی: ما در ده سال گذشته به یک نیروی جدی در مقابل جریانات اسلامی و اسلام سیاسی تبدیل شده ایم. ما تنها جریانی هستیم که روشن و صریح در مقابل جنبش مذهبی و مشخصا اسلامی ایستاده ایم و مبارزه میکنیم. اگر فعالیتهای افشاکرانه گسترده ما نبود میدان برای تحریک اینها بسیار باز میماند. ما پلاتفرمی را ارائه داده ایم و برای آن فعالیت میکنیم که در آن از جمله بر جدایی مذهب از آموزش تاکید شده است. همچنین در این پلاتفرم اعلام کرده ایم که ما برای برچیدن مدارس مذهبی و ممنوعیت حجاب کودکان زیر ۱۶ سال فعالیت میکنیم. کنفرانس استکهلم و فستیوال میخک سفید تلاشی برای پیشبرد این پلاتفرم بود. *

ککهای مالی رسیده به حزب

کانادا

مهران محبوبی	۱۰۰ دلار
علی از تورنتو	۲۰ دلار
ننا از تورنتو	۲۰ دلار

بازی "اتمی" باید این بازی با زندگی مردم را برهم زد

یاشار سهندی

بار دیگر هیاهوی جنگ و درگیری میان دو قطب تروریسم بین المللی بالا گرفته است و خطر یک جنگ دیگر دنیا را تهدید میکند. ظاهراً جبهه‌ای دیگر میان تروریستها در حال شکل‌گیری است. هر دو طرف ظاهراً نمی‌خواهند یک قدم به عقب بردارند. و هر دو همدیگر را تهدید میکنند که صبر و تحملشان به پایان رسیده. یکی بمب هسته‌ای دارد و دیگر در حال تدارک مدل اسلامی آن است. یک طرف (جمهوری اسلامی) میگوید: چرا تو داشته باشی و ما نداشته باشیم؟ (اکنون زمان را مناسب نمیداند که به صراحت قصد اصلیش برای مسلح شدن به بمب اتمی بیان کند). طرف مقابل (دول غرب) میگوید: تو بچه نافرمانی هستی و قواعد "بازی بزرگان" را بلد نیستی. دو طرف وارد "بازی"‌ای شده اند که ظاهراً برنده و بازنده آن معلوم نیست. ولی یک چیز مشخص است که تاوان این بازی کثیف را باید ما مردم بپردازیم.

موضوع بر سر سرکوب ما مردم است. سلاح اتمی از روزی که در هیروشیما منفجر شد (و بعد برای این که ثابت شود که یک دانه نبوده و یک زرادخانه از آن موجود است بر سر شهر ناکازاکی فرود آمد) و در یک چشم بهم زدن یک شهر را نابود ساخت برای این بود که به همگان بفهمانند "نظم نوینی" شکل گرفته و خیال نکنند که تا جنگ دوم جهانی تمام شد خوشبختی برای همه فراهم خواهد شد. از آن روز "مسابقه تسلیحات اتمی" وسیله‌ای بوده برای قدرتمندی و کاشتن ترس در دل مردم تا به هر شرایط نکت باری تن دهند.

اکنون جمهوری اسلامی به ارزش این "سلاح ارزشمند و استراتژیک" پی برده است. فکر میکند با ژست

داشتن آن میتواند همگان را بترساند و ساکت کند. جمهوری اسلامی عاجز از سرکوب مردم اکنون به سلاح اتمی پناه برده است. جوی از وحشت دارند ایجاد میکنند که امروز نه، فردا جنگی در خواهد گرفت تا مردم به جان آمده را بترسانند و شاید ساکت کنند. در این میان به کمک رسانه‌ها (از هر دو طرف) چنین جلوه میدهند که گویا این یک بازی شطرنج است که قواعدش را بزرگان میدانند و ما بهتر است ساکت بمانیم تا ببینیم بزرگان قوم چطور همدیگر را کیش ومات خواهند کرد.

باید این "بازی شطرنج" بزرگان را بهم زد. اگر اجازه دهیم این بازی بگیرد یک نتیجه اش میتواند تدارک یک دوره سرکوب شدید باشد. آنها اساساً از این به وحشت افتاده اند که طبقه کارگر در ایران روز به روز بیشتر عرض اندام میکند و می‌خواهد نقش تاریخی خود را ایفا کند. آنها (دول سرمایه داری غرب) از این میترسند که با سرنگونی جمهوری اسلامی احتمال شکل‌گیری یک دولت سوسیالیستی است. که این دولت هدفش بر هم زدن اساس نظام سرمایه داری، یعنی لغو کارمزدی است و این تمام "نظم نوین" شان را بر هم میزند. بعد از فروپاشی شوروی گفتند: کمونیسم مرد و تاریخ پایان یافت. اما مدت زیادی نگذشته که آرمان سوسیالیسم بازگشته است. بین جنبش اسلامی که وظیفه اش سرکوب کمونیسم بود و دول غرب که در بوجود آوردن و حاکم کردنش بر سرنوش مردم نقش جدی داشتند اکنون کشمکش بوجود آمده است. جنبشی که قرار بود عصای دستشان باشد اکنون ویال گردن شان شده است، و چه بهانه‌ای بهتر از بمب اتمی که زمینه‌ای برای دول غرب داده است

که این جنبش را مهار کنند و در عین حال توده مردم را از خطر یک جنگ اتمی بترسانند و شرایط امنیتی و پلیسی بر سرتاسر دنیا حاکم کنند و هر کس و هر جریانی از زندگی شایسته انسان گفت سرکوب کنند.

جمهوری اسلامی با ۲۷ سال سرکوب نتوانسته "خطر سوسیالیسم" را بر طرف کند. در جامعه ایران جنبش سوسیالیستی رادیکالی در حال شکل‌گرفتن است که دنیا را دگرگون خواهد کرد. تهدید یک جنگ اتمی و خطر نابودی کل جامعه با بمب اتم بهانه مناسبی است تا جنبش اعتراضی را سرکوب کنند. دو طرف موضوع اصلی منازعه شان سرکوب مردم است. یکی خدا خدا میکند که یک تیر غیبی از گوشه‌ای شلیک شود تا جو نظامی و ترور و شکنجه و اعدام را حاکم کند. و دیگری میترسد اگر این تیر غیب را شلیک کند ممکن است وضع از این هم که هست بدتر شود.

وضعیت کاملاً روشن است. "بزرگان قوم" می‌خواهند به قیمت نابودی کل جامعه ایران هم که شده بساط نظم نوین استثمارشان در جهان را بر پا نگه دارند. فی الحال خطر تهدید یک جنگ اتمی را بالای سر همه نگه داشته اند. تهدیدهایی از این نوع همیشه وجود داشته و تا وقتی بساط استثمار بر پاست وجود خواهد داشت. تنها یک راه وجود دارد. و آن زیر و رو کردن این بساط و در قدم اول سرنگونی جمهوری اسلامی است. راه از بین بردن خطر یک جنگ هسته‌ای و جنگ از هر نوع آن فقط و فقط یک انقلاب است. انقلاب سوسیالیستی. این است "بازی" پایین‌دستان برای رهایی از شر نظام سرمایه داری. *

زنده باد جنبش همبستگی با کارگران شرکت واحد!

همبستگی با کارگران شرکت واحد و نمایش عزم و اراده جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی تبدیل کنید. در هر محله و دانشگاهی، در هر کارخانه و مدرسه‌ای کمیته‌های همبستگی تشکیل دهید و تعداد هرچه بیشتری از دوستان و آشنایان را در تلاش برای همبستگی با کارگران شرکت واحد سهیم کنید. به کارگران اعتصابی گل بدهید و حمایت تان را علناً نشان بدهید. در روزهای اعتصاب با هرگونه ترفند رژیم برای شکستن اعتصاب مقابله کنید. از سوار شدن به اتوبوس‌هایی که احتمالاً توسط رژیم برای شکستن اعتصاب راه می‌افتد خودداری کنید. یکصدا به رژیم اسلامی بگوئید که اسانلو را آزاد کنید، تشکل کارگران واحد را برسمیت بشناسید، خواسته‌هایشان را بدهید. بگوئید که حامی کارگران هستید! هرچه ابعاد این جنبش همبستگی با کارگران شرکت واحد وسیعتر باشد، اهمیت این اعتصاب، قدرت این اعتصاب، پیروزی‌های اعتصاب و تاثیرات سیاسی آن، بیشتر و بیشتر میشود.

باید همبستگی میلیونی و سراسری با کارگران واحد را در مقابل رژیم اسلامی قرار دهیم و این با همت کارگران آگاه و سوسیالیست، دانشجویان مبارز و آزادیخواه، زنان برابری طلب و معلمان آزادیخواه میتوانند سازمان داده شود. بیائید تا در کوران این مبارزه نوع تازه‌ای از اتحاد و عزم مردم برای عقب راندن جمهوری اسلامی و سبک تازه‌ای از یک مبارزه سازمان یافته و مدرن و انسانی را به نمایش بگذاریم. آنگاه هر کارگری به وجد خواهد آمد، هر انسان آزادیخواهی به حرکت درخواهد آمد، محرومان و ستم‌دیدگان احساس قدرت و اعتماد به نفس خواهند کرد و به پیروزی‌های بسیار بزرگتر و تعیین کننده‌تر برای یک زندگی انسانی و بی تبعیض، و حاکم شدن بر مقدرات زندگی خود امیدوارتر خواهند شد!

حزب کمونیست کارگری شما را به جنبش همبستگی با کارگران واحد فرا میخواند!

زنده باد جنبش همبستگی با کارگران شرکت واحد

حزب کمونیست کارگری ایران

مردم تهران! کارگران و مردم سراسر ایران! ایرانیان مقیم خارج کشور!
اعتصاب کارگران و کارکنان شرکت واحد از روز شنبه ۸ بهمن شروع خواهد شد. رژیم از هم اکنون تمام توانش را به کار گرفته است تا مانع اعتصاب شود و کارگران شرکت واحد هوشیارانه و قهرمانانه و در صفی متحد مصمم اند اعتصاب را برای آزادی اسانلو و گرفتن خواسته‌هایشان پیش ببرند. شکل دادن به یک جنبش همبستگی در تهران، در سراسر کشور و در سطح بین‌المللی یک فاکتور بسیار مهم در کمک به کارگران و پیروزی اعتصاب آنها است. یک فاکتور مهم در مقابله با توطئه‌ها و تهدیدات و تلاشهای حکومت است. باید فعالانه به حمایت از کارگران شرکت واحد برخیزیم و باید آنها پیروز شوند. این پیروزی همه مردم محروم و آزادیخواه بر جمهوری اسلامی خواهد بود. حزب کمونیست کارگری شما را فرامیخواند که چه پیش از اعتصاب و چه در جریان اعتصاب با تمام توان و ابتکار خود با کارگران شرکت واحد و اعتصابشان بطور فعال همبستگی کنید.

در مراکز کارگری، در دانشگاهها، در مدارس و ادارات و محلات مختلف شهرها، و در خارج کشور همه جا به هر شکل که میتوانید اخبار اعتصاب و حمایت خود را به گوش همگان برسانید. از هر امکان خبررسانی، از رسانه‌های اپوزیسیون، از اینترنت تا شبنامه برای مطلع کردن میلیونی مردم از اعتصاب استفاده کنید. در خارج و داخل کشور هرجا میتوانید میتینگ‌های حمایتی برگزار کنید، بیانییه صادر کنید، به کارگران واحد پیام‌های پشتیبانی ارسال کنید. بویژه برای صندوق آنها کمک مالی جمع کنید. در جریان هر اعتصاب صندوق اعتصاب یک فاکتور تعیین کننده و حساس است و کارگران شرکت واحد بطور جدی به کمک‌های شما نیاز دارند. در تجمعات کارگران که در طی اعتصاب صورت میگیرد با پلاکاردهائی با امضای مراکز مختلف کارگری و یا دانشجویی، به نام مدارس شهر و یا محلات مختلف و با اعضاء خانواده و دوستانشان شرکت کنید. این تجمعات را به صحنه‌های باشکوه

۴. پرداخت کمکهای مالی و

حمایت‌های دیگر به سازمانهای سکولار و سازمانهایی که برای حقوق

زنان و کودکان مبارزه میکنند

۵. بوجود آوردن امکانات مناسب برای زنان و دخترانی که از خانه خود فرار میکنند. حمایت کامل از آنها

۶. دفاع از جنبش جهانی مبارزه علیه آپارتاید جنسی

از صفحه ۴ گفتگو با آذر ماجدی

در سطح بین‌المللی نسبت به این خواست‌ها برانگیخته‌ایم:

قطعه‌نامه:

۱. ممنوعیت مدارس مذهبی
۲. ممنوعیت حجاب کودکان
۳. قطع کمکهای مالی به سازمانها و جنبشهای مذهبی

در حاشیه رویدادها

سیاوش دانشور



بمب، جنگ، انقلاب کارگری

سرنوشت جمهوری اسلامی و تعیین تکلیف با آن به دستور سیاسی روز تبدیل شده است. به عبارت دقیقتر، بن بست های لاعلاج رژیم و تلاش همیشگی اش برای بقا و شکست نسخه های تاکنونی، رژیم اسلامی را بی ترمز در سرراشیمی سقوط قرار داده است. بعید است رژیم اسلامی فرصت بیاباد که خط مشی کره شمالی را در جدال اتمی تکرار کند. اما اگر موفق به اینکار هم بشود، ایران کره نیست. مسلح شدن به بمب اتمی جنبش اسلام سیاسی را در موقعیت جدید و بالقوه خطرناکی علیه مردم جهان قرار میدهد و طرفهای مقابل یعنی تروریسم دولتی آمریکا و ناتو متقابلا برای یک مقابله اتمی تردیدی نخواهند کرد. جنگ، هر نوع آن، یعنی حمله به ایران مردم را به قهرقرائی خواهد برد که تصورش آسان نیست. کلید مقابله با این بحران و آینده شوم دست مردم ایران و طبقه کارگر است.

روز سه شنبه در اهواز تروریست ها جنایت دیگری آفریدند. مردمی که مشغول کار روزانه شان بودند قربانی تعصب و قساوت تروریستها شدند. این روش ها تاکتیک جنبش اسلامی است. جنبشی که سروسزنی جان آدمیزاد برایش ارزش ندارد. مستقل از اینکه این جنایت توسط عوامل رژیم و یا هم خانواده هایش در بیرون حکومت و منطقه صورت گرفته، قربانیان این نمایش جهالت و سبعت مردم بیگناه اند. این پیش پرده زندگی روزمره در جامعه ای است که سران حکومت از یکسو و جریانات متحد آمریکا و غرب از سوی دیگر به روی مردم بمب و موشک میزنند و جدال تروریستها هر روز از مردم قربانی میگردد.

راه حل سوم اما پاسخی روشن به کل کمپ ارتجاع سیاسی و نظامی است. مردم ایران نه به جنگ و کشتار توسط بمب افکنهای دمکراسی برای "آزادی" نیاز دارند و نه هویت قومی و ملی و مذهبی مسئله شان است. مردم نان میخواهند، امنیت میخواهند، آزادی و حرمت میخواهند، رفع تبعیض و نابرابری میخواهند، و برای خلاصی از کابوس جنگ و ترور و

زورگویی مرتجعین رنگارنگ هر روز تلاش میکنند. این آرمان انسانی را ما کارگران و کمونیستها و مردم انقلابی و آزادیخواه نمایندگی میکنیم و باید توسط خود ما هم متحقق شود. مبارزه کنونی کارگران شرکت واحد تهران وجه مهمی از مبارزه اکثریت جامعه ایران برای امر آزادی و برابری است و به این معنا پیروزی شان این جنبش را در موقعیت بسیار بهتری قرار خواهد داد. انقلاب علیه وضع موجود با پرچم سوسیالیستی طبقه کارگر و با هدف فوری سرنکونی جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت کارگری، امروز به تنها راه نجات مردم از منگنه اسلام، ناسیونالیسم، جنگ و جدال اتمی تروریستها تبدیل شده است. اینبار انقلاب و حزب کمونیستی طبقه کارگر و راه حل انقلابی و سوسیالیستی میتواند سرنوشت مردم ایران و به این اعتبار منطقه را رقم زند. دوران انتخابهای سرنوشت ساز فرارسیده است. این صف را باید تقویت کرد و به آن پیوست.

دیپلماسی اتمی

جدال بر سر پرونده هسته ای در دو هفته اخیر شتاب ویژه ای گرفت و سرعت تهدیدها و مانورها تا امکان استفاده از سلاح هسته ای علیه رژیم ایران پیش رفت. در این ماجرا برخلاف دور گذشته غرب متحدتر است، رژیم اسلامی ناتوان تر است، و مردم بیشتر در خطر اند. اما سوال هنوز اینست که روند اوضاع به کدام سو میرود؟ آیا جنگ محتمل است، سازش محتمل است، بایکوت اقتصادی و تحمیل فقر و فلاکت بیشتر در انتظار مردم است و یا شقوق دیگر؟ قطعا نمیتوان سیاست را به پیشگویی صرف تنزل داد، اما مسائلی تا هم اکنون روشن هستند. غرب یک جمهوری اسلامی اتمی را تحمل نخواهد کرد و در اینراه میتواند و ظرفیتش را دارد که هیروشیما و ناکازاکی دیگری درست کند. رژیم اسلامی برخلاف اظهارات بیمقدار سرانش نمیتواند در مقابل این تهدیدات بایستد و در اولین گامهای تشدید بحران سیر اضمحلال و هزیمت درون صفوف اش را فرامیگیرد. رژیم اسلامی نمیتواند

روی فاکتور بسیج ناسیونالیستی مردم تکیه کند و امکان مادی، انسانی، روانی و لجستیکی چنین رویارویی را ندارد. این را سران رژیم نیز میدانند. و بالاخره مردم توان تحمل فجایعی در این ابعاد را ندارند.

کش و قوسهای دیپلماتیک و انواع اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی محتمل اند. اما رژیم اسلامی ناچار است سازش کند. رژیم باشد و چه در متن این جدال فرصت از دست دهد، بازهم ناچار است عقب بنشیند و سازش کند. سوال برای رژیم زمان عقب نشینی است. کی و در چه مرحله ای و با گرفتن کدام امتیازات سیاسی و اقتصادی و در کدام موقعیت برتر در مقابل مردم همینطور در درون صفوف خود رژیم؟ خطی که امروز در درون رژیم اسلامی دست بالا را دارد تلاش میکنند برخلاف دوره رفسنجانی و خاتمی که موفق نشدند کشتی بحرانی رژیم را به ساحل امن برسانند، هر سه کار را باهم انجام دهد؛ رژیم را یکدست در مقابل یک چرخش اساسی و استراتژیک آماده کند، با آمریکا و غرب سازش کند، مردم را بگوید و یا ساکت نگه دارد. دیپلماسی اتمی متنی و دریاچه ای برای به فرجام رساندن این روند هاست. آیا موفق میشود؟ به نظر نه. پدیده احمدی نژاد نیامده شکست خورده است و حاصلی جز انزوی سیاسی بین المللی و رشد انزجار مردم از کل جمهوری اسلامی ببار نیاورده است. غرب به هر سازهی با اسلام سیاسی و رژیم ایران تن نخواهد داد و دنبال تعادلی است که با وجود جمهوری اسلامی در قالب کنونی غیر ممکن است. کیس اتمی مستقلا به یک تهدید بالقوه تبدیل شده و مستقل از جمهوری اسلامی و سرنوشتش باید حل و فصل شود. آنچه تردیدها را تولید میکند و دیپلماسی را کشار و مواضع سیاسی طرفین را متلون، مردم ایران و واکنش غیر قابل محاسبه آنان است. این فاکتور سوم در شرایط امروز از بمب اتمی برای سرمایه داری خطرناک تر است. اگر ایران قریقستان و کشورهای سابق اقدار شوری بود تا حالا چند ویکتور یوشچنکو سردرآورده بودند. شکست پروژه فرمانده و طرفداران انقلاب مخملی و خواهش و تمنا از کاخ سفید ریشه اش اینجاست. اگر ایران حتی کره بود دستکم در مورد پرونده اتمی روندی دیگر پیش میرفت. اما

فراخوان به تظاهرات

در حمایت از اعتصاب کارگران

و کارکنان شرکت واحد در تهران

و در اعتراض به تهدید و احضار نمایندگان سندیکای واحد

اسانلو باید آزاد گردد!

حمایت کنید!

از روز شنبه ۲۸ ژانویه (۸ بهمن) اعتصاب کارگران شرکت واحد مجددا آغاز میشود. به هیچکدام از خواستهای کارگران تا کنون پاسخی داده نشده است. اسانلو کماکان در زندان است و آزار و پیگرد سایر نمایندگان و کارگران سندیکای واحد همچنان ادامه دارد. فراخوان اعتصاب ۸ بهمن پاسخی به این تعدیات جمهوری اسلامی است. پیروزی این مبارزه برای طبقه کارگر ایران و برای همه مردم ایران تعیین کننده است. چشمها به این صحنه و نتیجه این نبرد دوخته شده است. کارگران و کارکنان شرکت واحد به حمایت تک

تک ما نیاز دارند. ما مسئولیم که همه امکانات خود را بکار گیریم تا این مبارزه به پیروزی برسد. با تمام قوا به یاری اعتصابیون بشتابیم.

مردم آزاده!

با شرکت در تظاهرات از مبارزات کارکنان واحد حمایت کنید!

خواهان آزادی اسانلو شوید!

جمهوری اسلامی را بخاطر نقض پایه ای ترین حقوق شناخته شده بین المللی کارگران محکوم کنید!

دستگیری و شکنجه فعالین کارگری را محکوم کنید!

به صندوق اعتصاب کمک مالی کنید!

از خواست آنها برای افزایش حداقل دستمزد به میزان ۵۰۰ هزار تومان در ماه حمایت کنید!

از خواست قرارداد دستجمعی کار

ایران یک کشور انقلاب کرده، یک جامعه پیشرفته با سنتهای سیاسی دیرپا، و دارای یک جنبش بالقوه قوی آزادیخواهانه و سوسیالیستی و کارگری است. ایران حتی آمریکای لاتین نیست که اگر راستها شکست بخورند چپ ناسیونالیست سر کار بیاید. در ایران شکست رژیم اسلامی از مردم و انقلاب کارگری، پرچم کمونیسم مارکس را برخواهد افراشت و این فاکتور مهمی در محاسبات سیاسی ایران برای طرفین درگیر است. جمهوری اسلامی ناچار است به

آلمان - هامبورگ

زمان: شنبه ۲۸ ژانویه ساعت ۱۲ ظهر

مکان: مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی - 9-Bebelallee تلفن

تماس: +۴۹ ۰۵۸۴ ۹۱۷۳۲۰۵

سوئد

استکهلم - شنبه ۲۸ ژانویه، ساعت ۱ بعد از ظهر در مقابل سفارت جمهوری اسلامی

تلفن تماس: +۴۶ ۰۵۱ ۶۷۳۹۸۶۸

گوتنبرگ - روز جمعه ۲۷ ژانویه یک پیکت ایستاده در مقابل دفتر LO

فولکت هوس Järmtorget -

کانادا - تورنتو

زمان: شنبه ۲۸ ژانویه ساعت ۲ بعد از ظهر

مکان: 6125 خیابان یانگ مقابل سوپر خوراک -

تماس: +۱ ۴۱۶ ۳۵۸۹۶۰۰

شکلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

یک سازش با غرب تن دهد و میخواهد این سازش کمی "آبرومندانانه" باشد. اما معضل اینست که همه چیز را رژیم اسلامی تعیین نمیکند، محدودیتهاش بشمارند و تاکنون نشان داده است که بازیگر خوبی در صحنه سیاست بین المللی نیست. طبقه کارگر و جنبش کمونیستی کارگری میتوانند در این جدال "جام زهر" را، هم به رژیم اسلامی و هم به حامیان نظم نوینی دیروزشان، باهم بخوراند. *